



دنیاخامی: گفت‌وگو با بازیگری که اهل مطالعه است و دایره‌ای غنی از کلمات دارد، برای یک روزنامه‌نگار کار بسیار لذت‌بخشی خواهد بود، چرا که می‌تواند با عمق بیشتری با هنرمند مقابلش گفت‌وگو کند و چه چیز بهتر از یک بحث عمیق و دلچسب که در ویراستاری هم روزنامه‌نگار را با روند سهل‌تری مواجه می‌کند. علیرضا کمالی یکی از آن بازیگرانی است که برای خودش جهانی دارد و حساسیت ویژه‌ای در ایفا کردن نقش‌های کوتاه و بلند، به بهانه پخش سریال «وارش» و همزمانی آن با آکران «سمفونی نهم» و قبل‌تر فیلم «شاه‌کش» با این بازیگر به گفت‌وگو نشستیم و موضوع صحبت‌مان درباره تأثیر‌کناری بعضی نقش‌های کوتاه در کلیت یک فیلم، شخصیت بیرونی بازیگر و میزان فعالیت اجتماعی او و دستاورد بازیگر از نقش و... بود که در ادامه آن را به تفصیل می‌خوانید.

این‌طور که ما از رصد کردن شما فهمیدیم، نقش‌هایی تاریخی که صرفاً به لباس و گریم منتهی شوند، خیلی مورد پسندتان نیستند. چطور درباره نقش برای ورود به پروژه «سمفونی نهم» توجیه شدید و با محمدرضا هنرمند گفت‌وگو کردید؟

وجوه مشترک در نگاه هر دو ما به این نقش خیلی زیاد بوده است، گپ و گفت طولانی خاصی با او نداشتم؛ به من گفتند کوروش را چطور می‌بینی من هم گفتم او را یا یک عارف پادشاه یا یک پادشاه عارف می‌بینم؛ باقی ماجرا هم مندرجات تاریخی بود که به آن‌ها رجوع کردیم.

آیا شما هم طبق نگاه اسطوره‌ای عوام به این شخصیت، دوست داشتید از او یک اسطوره بسازید؟

هم از نظر من و هم از نظر محمدرضا هنرمند، کوروش کبیر یک پادشاه عارف یا عارف پادشاه بود که در کنار قدرت و شکوه، خصلت‌های فردی متمایزی هم داشت. در طول تاریخ پادشاهان زیادی بوده‌اند اما چگونه پادشاهی کردن آن‌هاست که باعث تمایزشان و یاد کردن از آن‌ها به نیکی یا بدی شده است.

اولین بار دیدن کوروش کبیر روی پرده سینما برای مخاطب اشتیاق زیادی ایجاد کرده بود؛ این موضوع چقدر در ایجاد انگیزه در شما برای قبول نقش موثر بود؟

خیلی زیاد. این اتفاق نتیجه زحمات همه دوستان بود، نمی‌گویم من کار خاصی کردم اما تمام تلاشم را کردم که نتیجه به نظر محمدرضا هنرمند نزدیک باشد. چون این نقش معمولی نیست، بالطبع انگیزه زیادی داشتم که ببینم این تلاش به کجا رسیده است. چون این اتفاق برای اولین بار است که می‌افتد و یک عقبه ذهنی و تاریخی برای تماشاگر وجود دارد، باید تلاش می‌کردم که از شأن این شخصیت در ذهن مخاطب کم نشود.

ممکن است در متن و نگارش چیزی به اسم فانتزی جدی خوب در بیاید اما رسیدن به این نقطه در نمایش، قدرت خاص کارگردان و بعد بازیگر را می‌طلبد. این ظرافت در اجرای شما با چند برداشت درآمد و چطور به این تحلیل‌روایی و فرمی رسیدید؟

برداشت‌ها را به خاطر ندارم اما وقتی قرار است به عنوان بازیگر نقشی را ایفا کنید، باید ابتدا خودتان آن را درک کنید و از لحاظ بازیگری برای شما گره‌کوری نداشته باشد و لایه‌های درونی آن شخصیت را بفهمید؛ هر چند که درباره کوروش کبیر این موضوع غیرقابل دسترس بود و هیچ چیز از او جز سنگ‌نگاره و تفسیر مورخان یونانی به عنوان منبع قابل رجوع وجود نداشت.

این موضوع مطالعات شما را خیلی محدود می‌کرد؟

خیر چون اصولاً تاریخ را یا شکست‌خورده‌گان می‌نویسند یا فاتحین؛ یا براساس حب نوشته می‌شود یا بر پایه بغض. اما برای اینکه به یک نتیجه متعادل برسی،

